

## بازگشت به کار کارگران اخراجی چینی کرد درگرو چیست؟

کمیته هماهنگی

یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۸۸

مبارزات کارگران اخراجی کارخانه چینی کرد در کرمانشاه علیه حکم اخراج و برای بازگشت به کار ادامه دارد. ۲۰۰ کارگر اخراجی به طور مکرر به نهادهای دولتی رجوع می کنند و خواستار روشن شدن وضعیت اشتغال خویش و انصراف کارفرما از اجرای طرح بیکارسازی می شوند. عمال دولتی مستقر در این نهادها چنان که رسم و وظیفه آن ها است بنیاد کار خویش را بر سردواندن، فرسودن، خسته کردن، به بن بست کشاندن و مایوس ساختن کارگران از تداوم اعتراض قرار داده اند. یک روز مسئولان اداره کار به آن ها وعده می دهند که چند وقت دیگر بساط رسیدگی پهن خواهند کرد و حتماً سرمایه دار را به انصراف از اخراج ها مجبور خواهند ساخت. هفته بعد با فرا رسیدن زمان موعود و هنگام مراجعه مجدد کارگران، اعلام می کنند که کاری از دستشان ساخته نیست. چند صبحی این سوتر، بخش دیگری از کارگزاران سرمایه در اداره استانداری در مقابل جمعیت عاصی کارگران ظاهر می شوند و چنان وانمود می کنند که گویا به راستی می خواهند سرمایه دار را به خاطر ارتکاب جنایت بیکارسازی ها مجازات کنند. زمان می گذرد و کارگران در تداوم اعتراضات و تلاش های خویش باز هم به سراغ این نهادها می روند و این بار می شنوند که باید محل مذاکره با سرمایه دار را تغییر دهند!!! روزهای بعد بهانه ها برای تعویق ماجرا و طولانی ساختن سرگردانی و فرسودن کارگران عوض می شود. آن چه ماهیت و اساس همه وعده و وعیدها و خط و نشان کشیدن ها و تغییر حرف ها را تعیین می کند صرفاً همان است که بالاتر به آن اشاره کردیم، این که کارگران آن قدر میان این ادارات آمد و رفت کنند تا سرانجام از پای در آیند، از فرط خستگی و نومیدی تسلیم شوند و خطر اعتراض و مبارزه آنان از سر سرمایه دار رفع شود. سرمایه داران و دولت آن ها چنین می کنند و هر نوع تصور، انتظار و اعتقاد به این که جز این کنند به طور قطع عین توهم و ناشی از کمال ناآگاهی و خام اندیشی است. در این میان مسئله بسیار اساسی نحوه نگاه و واکنش و نوع اقداماتی است که کارگران انجام می دهند. یک چیز مثل روز روشن است. وقتی کارگر قدرت ندارد، وقتی او خود را ضعیف و فرومانده می بیند، وقتی پشتش خالی است، به رغم تمامی تجربه، شناخت و باوری که به دروغ بودن حرف سرمایه داران و عمال دولتی آن ها دارد باز هم از سر ناچاری و درماندگی به دنبال هر وعده و وعید سراسر دروغ آن ها راه می افتد. این موضوع کاملاً مفهوم و ملموس است. هیچ کارگری را مادام که فاقد قدرت و فرومانده و دچار عجز است نمی توان به علت افتادن در دام وعده های دروغ و ترفندهای عوام فریبانه سرمایه داران یا دولت آن ها سرزنش کرد. مفهوم سخن ما در این جا نیز مطلقاً انکار این واقعیت بسیار تلخ و دردناک نیست. برعکس، ما با درک این معضل اساسی همه حرف مان این است که باید از ورطه بی قدرتی و ناتوانی خارج شد. باید به جای افتادن به دام ترفندهای کارفرمایان و اداره کار و استانداری و مانند این ها راه متحد شدن، متشکل گردیدن، قدرت یافتن و اعمال قدرت را دنبال کرد. این نه شعاربافی است، نه خیالبافی، نه «از بیرون گود لنگش کن» گفتن است و نه نادیده گرفتن دنیای مشکلاتی که

سر راه مبارزه و متحد شدن و متشکل گردیدن قرار دارد. خلاصه سخن این است که هیچ راه دیگری وجود ندارد. راه ها و راه حل های دیگر میلیون ها بار تجربه شده اند و بیهوده بودن آن ها کل ظرفیت ذهن و خاطره و حافظه ما را پر کرده است. چه قدر باید میان ادارات دوید و آخر کار دست از پا درازتر، با دنیایی فرسودگی و یأس از پیگیری خواست های خویش دست کشید؟ چه قدر باید به حرف استاندار و رئیس اداره کار و این یا آن نماینده مجلس یا رئیس جمهوری و مانند این ها گوش داد و به وعده های آن ها دل بست؟ چه قدر باید محتوای گفتگوها، درد دل ها، امیدهای کاذب و خیالبافی های پر از عجز ما را نقل این یا آن دروغ فلان سرمایه دار یا فلان نهاد دولتی تشکیل دهد؟ چند نسل از ما کارگران باید در پیچ و خم این راه های فرساینده پر از ذلت و بدبختی تباه شوند؟ ما با طبقه سرمایه دار طرف هستیم، سرمایه داران هر بلایی که اراده می کنند بر سر ما می آورند، هر چه را که مصلحت سرمایه اندوزی و سود افزایی و تشدید استثمار ما است بر ما تحمیل می کنند. آنان دولت دارند، ارتش دارند، پلیس دارند، زندان دارند و در یک کلام قدرت و قدرت و باز هم قدرت دارند. پاسخ قدرت را فقط با قدرت می توان داد. سرمایه داران و دولت و قانون سرمایه قرار نیست به زندگی ما فکر کنند و به شکایات ما رسیدگی نمایند. آنان برای هر ریال افزایش سود خود بسیار راحت ما را سرکوب می کنند. در مقابل سرمایه و سرمایه داران با خواهش و التماس و الحاح و شکایت نمی توان به هیچ حق و حقوقی دست یافت. تنها چیزی که می تواند به یاری ما بشتابد قدرت و اعمال قدرت است. شکایت نویسی و توسل به دولتمردان راه اعمال قدرت نیست. برعکس، راه زوال و فرسودن و از دست دادن قدرت است. قدرت ما در سازمانیابی متحد و شورایی وسیع ما علیه سرمایه است. قدرت را فقط در این مسیر، در روند متشکل شدن شورایی علیه سرمایه و سرمایه داران و نظام سرمایه داری و دولت سرمایه می توان جستجو کرد. این کار سخت است، اما شدنی است. و راه عملی شدن آن نیز بسیار روشن در پیش روی ما است. قرار نیست کسی از آسمان یا از درون این حزب و آن گروه و آن نهاد دست به کار نجات ما شود. همه چیز، همه کارهایی که باید انجام دهیم، حی و حاضر در جریان زندگی و کار روزمره ما، پیش رویمان صف کشیده است. ما ۲۰۰ کارگر هستیم که در کارخانه کاشی کرد کار می کرده ایم و استثمار می شده ایم. سرمایه دار ما را از کارخانه اخراج کرده است و به ناچار بیکار شده ایم و به ورطه گرسنگی افتاده ایم. در چنین وضعی طبعا با این پرسش مواجهیم که چه کنیم؟ پاسخ خیلی ها و از جمله پاسخ خود ما کارگران چینی کرد تا امروز این بوده است که شکایت سرمایه دار را پیش دولت سرمایه داران ببریم. به اداره کار رجوع کنیم. در مقابل استانداری اجتماع کنیم. به رئیس جمهوری نامه بنویسیم و نوع این کارها را انجام دهیم. حرف ما این است که کار دیگری را هم می توان انجام داد. به جای این که سرمایه دار ما را اخراج کند، ما او را اخراج کنیم. ما کارخانه را تصرف کنیم. ریال به ریال کارخانه حاصل استثمار ما است. اگر به این کار دست بزنیم تازه گوشه بسیار ناچیزی از دنیای سرمایه ای را که آفریده ایم خودمان به دست آورده ایم. خوب فکر کنید چرا سرمایه دار که حاصل کار و استثمار ما را به صورت کارخانه تصرف کرده است باید ما را از آن جا اخراج و بیکار و گرسنه سازد اما ما که خالق کل سرمایه کارخانه و هزاران برابر آن هستیم به خود اجازه ندهیم که سرمایه دار غاصب زورگو را از کارخانه بیرون اندازیم؟ ما می توانیم این کار را انجام دهیم و باید آن را انجام دهیم و با انجام دادن آن تازه یک سنگر واقعی مقاومت در مقابل تعرض سرمایه دار و دولت سرمایه داران پیدا کرده ایم. قرار نیست که ما با تصرف کارخانه سرمایه دار شویم. می

خواهیم از بیکار شدن خویش جلوگیری کنیم، و برای این که خواست ادامه کار و اشتغال را بر صاحبان سرمایه و دولتشان تحمیل کنیم باید با آن ها به صورت متحد و متشکل مبارزه کنیم. راه این مبارزه از تصرف کارخانه می گذرد. این جا یک سنگر محکم است. در درون آن مقاومت می کنیم و اعلام می داریم که ما بسیار بهتر از هر سرمایه دار قادر به برنامه ریزی کار و تولید هستیم. برای این کار فقط احتیاج به مواد اولیه و امکانات داریم. تهیه این وسائل نیز به عهده دولت سرمایه داران است. به این ترتیب مبارزه ما یک مبارزه واقعی زمینی می شود. همه این ها فقط گام اول است. همه می دانیم که به اعتبار قدرت ۲۰۰ نفری خودمان نمی توانیم بر سرمایه دار و دولتش پیروز شویم. برای پیروزی در این مبارزه ساز و برگ و مهمات لازم است. این ساز و برگ و مهمات هم هیچ چیز جز قدرت سازمان یافته شورایی ضد سرمایه داری ما نیست. از این جا به بعد باید دست به کار جلب حمایت توده های طبقه خویش شویم. از همه کارگران اخراج شده کارخانه های دیگر بخواهیم که آن ها هم عین کار ما را انجام دهند. از کارگران شاغل مراکز کار و تولید بخواهیم که در حمایت از ما اعتصاب کنند و خیلی کارهای دیگر که باید انجام دهیم. یک بار دیگر تأکید می کنیم که این کار بسیار سخت است و دنیایی فکر و برنامه ریزی و چاره اندیشی و فداکاری لازم دارد. این کاملاً روشن است. اما ما از سر هوی و هوس نیست که به این فکر می افتمیم. مشتاق جنگیدن هم نیستیم. می دانیم که پیروزی در این مبارزه هم صد درصد حتمی نیست. همه این ها را می دانیم. اما ما مجبوریم مبارزه بکنیم و هیچ راه دیگری نداریم. همه راه ها به بن بست ختم می شود. این تنها راهی است که در آن قدرت خود را علیه سرمایه به صف می کنیم. تنها راهی است که در آن می توانیم آگاهی خویش را بیش از پیش ارتقا دهیم و آگاهانه تر و بدین سان قدرتمندتر مبارزه کنیم. تنها راهی است که در صورت پیمودن، ادامه دادن، بالا بردن آگاهی، گسترش مبارزه، سازمانیابی نیرومندتر ضد سرمایه داری و شورایی از بیشترین شانس ممکن برای پیروزی برخوردار است. هر چه آغاز کردن این راه را به تعویق اندازیم به طور قطع بیشتر ضرر کرده ایم. تصرف کارخانه در شرایط کنونی برای کارگران کارخانه های در معرض تعطیل یک سلاح مؤثر مبارزه است، همان طور که سلاح اعتصاب برای کارگران شاغل در همه مراکز کار و تولید یک سلاح کارساز بیکار علیه سرمایه داری است. ما باید همه این راهکارها را به هم پیوند زنیم و همه این سلاح ها در مبارزه کنونی خویش علیه سرمایه به کار گیریم. استفاده از تمامی این راهکارها به نوبه خود در گرو سازمانیابی سراسری شورایی و ضد سرمایه داری ما است.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۵ فروردین ۱۳۸۸

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)